

اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی

حامد بابازاده مقدم*

عباس اسدی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

امروزه تردیدی وجود ندارد که توسعه و گسترش اینترنت و همچنین بهره‌مندی از این ابزار نوین ارتباطی، نیازمند یک نظام حقوقی مدون و منسجم است. نظام حقوقی مورد نظر باید بتواند ضمن تأمین آزادی این رسانه نوین، مانع سوءاستفاده احتمالی از آزادی بیان شده و به مردم اطمینان دهد که دسترسی و استفاده آن‌ها از رسانه‌های اینترنتی ارزان، امن و پایدار خواهد بود. در بین رسانه‌های اینترنتی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی یا همان سایت‌های خبری به لحاظ نقش و تأثیری که بر تأمین حق آزادی بیان دارند، شاید بیش از سایر این رسانه‌ها نیاز به نظام حقوقی مدون و منسجم دارند.

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران. (نویسنده مسئول).

hmoghdam32@yahoo.com

aliabbas1356@yahoo.com

** دانشیار گروه روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی.

در این مقاله تلاش شده تا با توجه به اهمیت پالایش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی، اصولی برای پالایش صحیح و قانونمند این رسانه‌های نوین ارائه گردد. به همین منظور اصول هفتگانه آزادی اینترنت، مداخله حداقلی دولت‌ها، قانونمندی، شفافیت، امکان دادخواهی، هوشمندی و آموزش بر مبنای اسناد حقوق بشری، مصوبات یونسکو و توصیه‌نامه‌های شورای اروپا و همچنین تجربیات کشورهای پیشرو در زمینه حقوق ارتباطات شناسایی و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: حقوق اینترنت، پالایش، فیلترینگ، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی، سایت‌های خبری.

مقدمه

حق آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است. دولت‌ها نیز وظیفه دارند که ضمن عدم ایجاد مانع برای برخورداری افراد از این حق، در صورت نیاز زمینه برخورداری افراد از این حقوق را فراهم نمایند.

بدون تردید اینترنت نقش مهمی در تأمین حق آزادی بیان دارد. افراد زیادی در سراسر جهان از طریق اینترنت به دنیایی از اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند.^۱ بدون توجه به مرزها و فاصله‌ها، زمینه ابراز عقیده و انتقال اطلاعات در اینترنت با مزایای فراوان (سرعت، قیمت پایین، مخاطب وسیع، استفاده همزمان از متن-صوت و تصویر و ...)، مهیا است. مردم نیز به دلیل تأثیر اینترنت در زندگی روزمره‌شان، انتظار دارند خدمات

۱. به گزارش **Internet World Stats**، تعداد کاربران اینترنت جهان تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶ به سه میلیارد و ۶۱۱ میلیون و ۳۷۵ هزار و ۸۱۳ نفر رسیده است. طبق آمار این سایت معتبر بین‌المللی، ایران با حدود ۸۳ میلیون جمعیت، ۵۶ میلیون و هفت صد هزار کاربر اینترنتی دارد؛ این آمار از نظر کمیت، آمار قابل قبولی است؛ هرچند کیفیت دسترسی در سطح پایینی قرار دارد. <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>

اینترنت قابل‌دسترس، امن، ارزان، مداوم و معتبر باشد. (4: Jakubowicz, 2009) به همین دلیل دولت‌های آزادی‌گرا متعهد هستند که ثبات و امنیت اینترنت را به‌عنوان یک منبع جهانی تضمین نمایند. با توجه به اهمیت رسانه‌های اینترنتی و به‌ویژه فعالیت سایت‌های خبری به دلیل نقش مؤثری که در اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی بر عهده دارند، این رسانه نوین نیازمند تدوین و اعمال نظام حقوقی مناسب است. نظام حقوقی که ضمن تأمین آزادی فعالیت رسانه، از سوءاستفاده احتمالی از آزادی بیان جلوگیری نموده و به مردم اطمینان دهد که دسترسی و استفاده آن‌ها از رسانه‌های اینترنتی امن و پایدار است.

در این نوشتار تلاش شده تا یکی از مهم‌ترین مسائل نظام حقوقی وبسایت‌های خبری در ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. پالایش (فیلترینگ) اینترنت و به‌ویژه رسانه‌های اینترنتی ابعاد مختلفی داشته و بر همین اساس و با توجه به اهمیت موضوع، مطالعات زیادی در خصوص فیلترینگ صورت گرفته است؛ اما تاکنون اصولی مشخص و مدون برای پالایش صحیح و قانونی سایت‌های خبری ارائه نگردیده؛ از این‌رو در این نوشتار سعی شده تا با استفاده از مصوبات نهادهای حقوق بشری و تجارب کشورهای پیشرو، اصولی برای پالایش سایت‌های خبری ارائه گردد.

نخست: مفهوم و ویژگی‌های پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی

وبسایت^۱، وب‌گاه یا تارنما، مجموعه‌ای از صفحات وب است که دارای یک دامنه اینترنتی^۲ یا زیردامنه اینترنتی مشترک کند و به‌صورت مجموعه‌ای از صفحات مرتبط که داده‌هایی نظیر متن، صدا، تصویر و فیلم، روی آن‌ها ارائه می‌شود، در اینترنت قرار می‌گیرد. امروزه سایت‌های متعدد و متنوعی در اینترنت شکل گرفته که بخشی از

1. Websit
2. Domain

رسانه‌های نوین به شمار می‌آیند. پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی یا همان وب‌سایت‌های خبری، از جمله همین سایت‌ها هستند که در زمینه انتشار اخبار و تحلیل خبری به صورت عمومی یا حوزه‌های تخصصی فعالیت دارند.

یکی از مسائل مهم در بررسی مفهوم سایت‌های خبری، شناخت تفاوت‌های بین سایت خبری با وبلاگ، نشریه الکترونیکی و خبرگزاری است؛ اهمیت این بحث در بخش‌های بعدی مشخص می‌شود، زیرا پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی یا سایت‌های خبری به لحاظ وظیفه‌ای که بر عهده دارند از اهمیت بیشتری نسبت به وبلاگ و نشریه الکترونیکی برخوردارند و بنابراین لازم و ضروری است تا حمایت بیشتری از آن‌ها به عمل آمده و هرگونه اقدام برای پالایش محتوای آن‌ها با دقت بیشتری صورت بگیرد. وبلاگ^۱ یک صفحه اینترنتی شخصی یا گروهی است که به صورت روزانه یا هرچند وقت یکبار با مطالب جدید به‌روزرسانی می‌شود. مطالب وبلاگ‌ها اغلب با لحن شخصی و گاهی محاوره‌ای نوشته شده و امکاناتی نظیر دریافت نظرات برای هر نوشته، ارسال و دریافت دنبالک روی هر مطلب، از قابلیت‌های وبلاگ است. وبلاگ‌ها در بیشتر موارد توسط افراد غیرحرفه‌ای ایجاد و اداره می‌گردند، اما وب‌سایت‌ها معمولاً توسط افراد حرفه‌ای اداره و به روزرسانی می‌شوند. علاوه بر این، سایت‌ها، نسبت به وبلاگ‌ها سریع‌تر بروزرسانی شده و مطالب باکیفیت‌تری را ارائه می‌نمایند. سایت‌ها (بویژه سایت‌های خبری) عمدتاً دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و توسط گروهی از افراد (هرچند محدود) به‌عنوان هیئت تحریریه اداره می‌شوند، اما وبلاگ‌ها عموماً یا به‌طوری کلی شخصی هستند. همچنین گفتمان وب‌سایت‌ها نیز رسمی است و در امور تخصصی به‌عنوان منبعی معتبر مورد استفاده قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که وب‌سایت با وبلاگ از نظر فنی هم تفاوت‌های قابل توجهی دارد. از جمله این تفاوت‌ها

1. weblog

می‌توان به شیوه طراحی و پیچیدگی ساختار، هزینه‌های مورد نیاز برای تأسیس و فعالیت و نحوه کنترل^۱ اشاره کرد.

نشریه الکترونیکی، نشریه‌ای با عنوان مشخص و ثابت است که در شماره‌های پیاپی و منظم و در فاصله زمانی مشخص و متناوب (هفته، دو هفته، ماه و ...) در محیط اینترنت، از طریق وب، پست الکترونیک یا سرویس‌های دیگر اینترنتی تولید، منتشر و توزیع می‌شود. افراد به‌طور رایگان یا با پرداخت هزینه از مطالب این نشریات استفاده می‌نمایند. (عاملی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۷). با دقت در تعریف، روشن می‌شود که نشریه الکترونیکی متفاوت از وبسایت است؛ به تعبیر روشن‌تر نشریه الکترونیکی تمام ویژگی‌های نشریات مکتوب مانند روزنامه، هفته‌نامه و ... را دارد، با این تفاوت که نشریه الکترونیکی در فضای مجازی منتشر و توزیع می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تنها شباهت نشریه الکترونیکی با وبسایت‌های خبری، انتشار در محیط اینترنت است؛ اما چنانچه در ادامه نیز اشاره خواهد شد، این شباهت موجب بروز مشکلاتی شده و در مواقعی به‌جای تدارک نظام حقوقی مناسب برای وبسایت‌های خبری، تلاش گردیده این رسانه‌ها به‌عنوان یکی از اشکال نشریات الکترونیکی تابع قانون مطبوعات قرار گیرند. این تلاش در حالی صورت می‌گیرد که باوجود شباهت‌های فراوان نشریه الکترونیکی با رسانه‌های مکتوب، قانون مطبوعات حتی پاسخگوی نیازهای نشریات الکترونیکی هم نیست. هرچند موضوع و هدف این مقاله، بررسی وضعیت نشریات الکترونیکی نیست، اما باید توجه نمود که وضعیت فعلی نشریات الکترونیکی (به‌ویژه عدم استقبال روزنامه‌نگاران از فعالیت در این حوزه)، خود گواه ناکارآمدی اعمال قانون مطبوعات بر این رسانه‌ها می‌باشد.

۱- کنترل وب‌گاه‌ها در اختیار مالکان آن است، ولی بلاگرها کنترل جزئی بر وبلاگ دارند. در واقع کنترل آن‌ها تابع یک کنترل بزرگ‌تر توسط صاحبان و مدیران سرویس‌دهنده وبلاگ است.

وبسایت با خبرگزاری هم تفاوت دارد؛ «خبرگزاری یک سازمان بزرگ و مستقل خبری - تجاری است که دارای دفاتری، در داخل یک کشور و دیگر کشورهاست و به‌طور شبانه‌روزی، به جستجو، کسب و انتشار اخبار و ارائه خدمات می‌پردازد و حاصل کار خود را در یکی از قالب‌های متنی، صوتی، تصویری و یا ترکیبی از آن‌ها به‌صورت رایگان یا در قبال دریافت هزینه‌ای در اختیار رسانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات خدمات عمومی، اجتماعی، تجاری، سیاسی، اقتصادی و عموم قرار می‌دهد. عمده‌ترین منبع درآمد خبرگزاری‌ها از راه فروش اخبار و ارائه خدمات تأمین می‌شود» (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸). همان‌طور که در تعریف اشاره گردید، خبرگزاری یک موسسه برای جستجو، کسب و انتشار اخبار است، اما وبسایت‌های خبری در فرایند تولید خبر نقش چندانی ندارند و دامنه و سطح فعالیت آن‌ها نیز مانند خبرگزاری گسترده نیست.

در میان وبسایت‌های مختلفی که فعالیت می‌نمایند، وبسایت‌های خبری به دلیل ایفای نقش در عرصه اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به مردم، از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. این وبسایت‌ها مانند سایر رسانه‌ها فعالیت می‌نمایند؛ مطالعه ساختار و نحوه عملکرد حدود ۳۰ وبسایت خبری شاخص در ایران نظیر عصر ایران، رجانیوز، تابناک و... نشان می‌دهد که این رسانه‌های نوین مانند سایر رسانه‌ها دارای صاحب‌امتیاز (مدیرعامل)، مدیرمسئول، سردبیر، خبرنگار و سایر عوامل اجرایی هستند و بر اساس سیاست هیئت تحریریه‌ای مشخص فعالیت می‌نمایند (عاملی، ۱۳۸۸: ۲-۳). وبسایت‌های خبری به‌عنوان رسانه‌ای نوین از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند؛ این ویژگی‌ها عبارت است از: فعالیت‌های خبری و اطلاع‌رسانی، استفاده از متون مجازی، انتقال سریع و بدون واسطه اخبار، چندرسانه‌ای بودن، تعاملی بودن، امکان برقراری ارتباط سریع مخاطب با مدیران و نویسندگان، شخصی شدن و تقویت روزنامه‌نگاری شهروندی.

باید توجه داشت که در کنار مزایای یادشده، استفاده از وبسایت‌ها معایب و نواقصی نیز دارد. از جمله: محدودیت‌های دسترسی به اینترنت، فقدان زیرساخت‌های ارتباطی، عدم وجود قوانین و مقررات کارآمد و

دوم: مفهوم و ضرورت پالایش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی

با نگاه دقیق و آسیب شناسانه، اینترنت و از جمله وبسایت‌های خبری در کنار تمام خدمات و کاربردهای مفیدی که دارند و همچنین تأثیر قابل توجه آنها در بهبود زندگی انسان‌ها، می‌توانند به بستری برای سوءاستفاده از آزادی و اقدامات غیرقانونی مجرمان و افراد شرور تبدیل گردند. ترویج نژادپرستی و خشونت، تشویق به عضویت در گروه‌های تروریستی و آموزش عناصر انتحاری، انتشار تصاویر سوءاستفاده جنسی از کودکان، هرزه‌نگاری و ترویج روش‌های نامتعارف روابط جنسی (هم‌جنس‌بازی و خشونت در روابط جنسی)، نقض گسترده حقوق مالکیت فکری، قماربازی اینترنتی و ...، نمونه‌هایی از فعالیت‌های مضر و غیرقانونی است که امروزه در اینترنت جریان دارد. برای جلوگیری از اقدامات غیرقانونی و مضر یادشده و به حداقل رساندن آثار آنها، تدابیری از سوی نهادهای مسئول در سطح مختلف ملی و بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. یکی از این تدابیر پالایش اینترنت (فیلترینگ) است؛ منظور از پالایش یا در اصطلاح فیلترینگ اینترنت، ایجاد محدودیت در دسترسی به محتوا یا وبسایت حاوی مطالب غیرقانونی یا مضر می‌باشد. پالایش اینترنت توسط والدین، مربیان و مدیران مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و ...، همچنین در سطح کلان توسط حکومت‌ها اجرا می‌گردد؛ که در این میان اقدامات حکومت‌ها به مراتب بیشتر بوده و به دلیل همین گستردگی اهمیت زیادی دارد.

هرچند دلایل اصلی برای پالایش اینترنت، بیشتر استانداردهای اجتماعی، مسائل اخلاقی یا تضمین امنیت ملی است، اما مصادیق و میزان آن به‌هیچ‌عنوان مورد توافق

همه نیست و در این زمینه هیچ استاندارد بین‌المللی مشترکی هم که از سوی یک سازمان بین‌المللی پیشنهاد شده باشد، وجود ندارد. در این شرایط هر کشوری بر اساس نقطه‌نظرهای سیاسی و فرهنگی خود برای فیلترینگ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌نماید. بنابراین در ضرورت پالایش اینترنت تردید و اختلافی وجود ندارد؛ آن چه نیاز به بررسی و تأمل دارد و همواره مورد اختلاف بوده، مجری و نحوه اجرای آن است. اهمیت این موضوع، به دلیل آثار و پیامدهای فیلترینگ نادرست و غیراصولی بر حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات می‌باشد. اقدامات غیرقانونی و غیر شفاف در این عرصه مهم می‌تواند فواید اینترنت به‌ویژه پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی برای استفاده از حق آزادی بیان را به میزان قابل توجهی بی‌اثر نماید. این خطر زمانی بیشتر احساس می‌شود که مجری فیلترینگ حکومت باشد؛ زیرا حکومت‌ها به دلیل برخورداری از قدرت و در اختیار داشتن بسترهای اتصال به شبکه جهانی اطلاعات، می‌توانند از قدرت سوءاستفاده نموده و از پالایش محتوا به‌عنوان روشی برای کنترل و محدودسازی رسانه‌ها استفاده نمایند.

سوم: اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی

پس از آشنایی با مفاهیم و مباحث مبنایی که در بخش‌های قبلی ارائه گردید، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که با رعایت چه اصول و قواعدی می‌توان در پالایش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی، حق بر آزادی بیان را تأمین و تضمین نمود؟ در مسیر پاسخ به این پرسش اصول هفتگانه آزادی اینترنت، مداخله حداقلی حکومت‌ها، قانونمندی، شفافیت، امکان دادخواهی، هوشمندی و آموزش بر مبنای اسناد حقوق بشری، مصوبات یونسکو و توصیه‌نامه‌های شورای اروپا و همچنین تجربیات کشورهای پیشرو در زمینه حقوق ارتباطات شناسایی و مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

اصل اول: آزادی اینترنت

مهم‌ترین نکته در سیاست‌گذاری و اجرای فیلترینگ، اصل آزادی اینترنت است. همان‌طور که در مقدمه اشاره گردید، اینترنت در عصر حاضر به دلیل خدماتی که ارائه می‌نماید و تأثیر آن در انتشار و دسترسی به اطلاعات، به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی افراد تبدیل شده و مردم انتظار دارند خدمات اینترنت قابل‌دسترس، امن، ارزان و باثبات باشد. تأمین و برآورده ساختن این انتظار زمانی تحقق می‌یابد که در سیاست‌گذاری و اجرای فیلترینگ اینترنت، تدابیری اتخاذ گردد تا محدود نمودن دسترسی به محتوای غیرقانونی و مضر یا رسانه منتشرکننده چنین مطالبی، تبدیل به مانعی برای دسترسی به سایر خدمات اینترنت نگردد.

این بحث در خصوص همه رسانه‌ها صدق می‌نماید و هرگاه سخن از کنترل و محدودسازی رسانه‌ها و در سطح وسیع‌تر ابزارهای ارتباطی به میان می‌آید، این نگرانی وجود دارد که اقدامات محدودکننده به مانعی برای دسترسی به بخش عظیمی از خدمات و محتوای ارزشمند و مفید آن‌ها تبدیل گردد.

پس از ارائه توضیحات، اکنون مصادیق خدشه به اصل آزادی اینترنت و نکاتی برای حمایت و تأمین اصل مذکور که باید توسط سیاست‌گذاران و مجریان پالایش اینترنت مورد توجه باشد، ارائه می‌گردد:

۱. پالایش اینترنت، حتی با رعایت اصول آن، یک محدودیت برای آزادی بیان است؛^۱ بنابراین در گام نخست باید تلاش شود تا دامنه فیلترینگ حتی‌المقدور محدود شده و از توسعه مصادیق آن خودداری گردد. به تعبیر روشن‌تر آزادی بیان اصل است و فیلترینگ استثناء، بنابراین: اولاً هیچ محدودیتی نمی‌تواند این حق را حذف یا از محتوا تهی کند؛ ثانیاً هیچ استثنایی نمی‌تواند از اصل خود بیشتر باشد زیرا استثناء اکثر

۱- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

قبیح است؛ ثالثاً استثناء نباید مبهم باشد و باید به صورت دقیق مشخص شود که چه موردی از اصل استثناء شده است؛ رابعاً استثناء باید به صورت مضیق تفسیر شود (انصاری، ۱۳۸۹: ۵۰).

۲. نکته مهم دیگر، آگاهی و آموزش مجریان (به‌ویژه کارکنان نهاد اجراکننده فیلترینگ) برای احترام کامل به آزادی بیان و حق محرمانه بودن اطلاعات کاربران است. آن‌ها باید دقیقاً بدانند که اقدامات نادرست و یا خطای کاری تا چه اندازه می‌تواند حق کاربر یا کاربران را محدود نموده و یا از بین ببرد؛ پس باید تلاش نمایند تا با دقت به اعمال فیلترینگ پرداخته و در صورت وجود تردید در تشخیص مصداق، تا رفع ابهام از پالایش محتوای مورد تردید خودداری نمایند.

۳. باید از فیلتر نمودن محتوای سایت‌های دولتی (داخلی و خارجی) پرهیز گردد؛ زیرا این سایت‌ها محل رجوع عموم مردم برای امورات جاری زندگی‌شان است و به دلیل مسائل سیاسی یا درج یک مطلب نادرست، نباید دسترسی به خدمات آن قطع شود.

۴. قبل و در زمان اجرا اطمینان حاصل شود که فیلترها درست عمل می‌کنند. علاوه بر این لازم است روش‌های قابل دسترس، مؤثر و آسان برای اصلاح فیلترینگ در نظر گرفته شود. یک اقدام مؤثر و مفید در این زمینه، تعلیق فیلتر در مواردی است که کاربر یا نویسندگان محتوا ادعا می‌کنند که محتوا به صورت نامعقول مسدود شده است.

۵. جلوگیری از مسدود کردن جهانی و عمومی یا به عبارتی فیلترینگ انبوه در تأمین و حفظ آزادی اینترنت مهم است. زیرا در این روش، حتی با استفاده از برنامه‌های پیشرفته و هوشمند فیلترینگ، اشتباهات زیادی رخ می‌دهد؛ در نتیجه استفاده از چنین روشی موجب محدودیت در استفاده از حق آزادی بیان می‌گردد. از جمله نمونه‌ها و مصادیق فیلترینگ انبوه، مواردی است که به دلیل انتشار یک مطلب، دسترسی به یک وب‌سایت یا حتی یک سرویس ارائه‌کننده خدمات اینترنتی به صورت کلی قطع می‌گردد

نمونه‌ای از این نوع فیلترینگ، را می‌توان در کشور ترکیه مورد بررسی قرار داد. وب‌سایت یوتیوب^۱ که در زمینه اشتراک‌گذاری فیلم فعالیت می‌نماید، در مورخ ۷ مارس ۲۰۰۷ به دلیل انتشار فیلمی توهین‌آمیز نسبت به آتاتورک، با حکم دادگاهی در ترکیه مسدود شد. مسدود نمودن این سایت با استناد به ماده ۳۰۱ قانون مجازات ترکیه صورت گرفت، این قانون توهین نسبت به آتاتورک و همچنین "ترک بودن" را جرم دانسته و به همین دلیل مانع اصلی آزادی بیان شناخته می‌شود. یکی از شرکت‌های پیشرو در ارائه خدمات اینترنتی در ترکیه، شرکت ترک تلکام می‌باشد. این شرکت ضمن اجرای قانون، از دادگاه درخواست تجدیدنظر نمود. دادگاه به شرط حذف شدن این فیلم خاص از روی سایت، با درخواست ترک تلکام موافقت نمود. مسدود نمودن دو روزه سایت یوتیوب، هم در داخل ترکیه و هم در خارج از کشور به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و به "بسته شدن یک کتابخانه به دلیل وجود یک کتاب نامناسب" تشبیه شد (Ramachander, 2008: 190-191).

۶. رفع ممنوعیت دسترسی برای کاربرانی که نیاز مشروع به محتوای ممنوعه در شرایط استثنایی دارند. (مانند کارهای پژوهشی و علمی)

در پایان این بخش باید یادآوری شود که وظیفه حکومت‌ها در تأمین اصل آزادی اینترنت، محدود به موارد اصلاحی نیست، بلکه حکومت‌ها موظف به تأمین زیرساخت‌های لازم برای بهبود دسترسی مردم به این رسانه و ابزار نوین ارتباطی هستند. زیرا «لازمه ماهیت ادعایی حق آزادی بیان، فرض دولت به‌عنوان موظف و مکلف در برابر این حق است. دولت در حقیقت دو وظیفه دارد، یکی سلبی و دیگری ایجابی، از یک سو دولت مکلف به عدم مداخله تحدیدی جز در موارد خاص است و از سوی دیگر دولت موظف به بهره‌گیری از ابزارهای لازم در جهت تضمین حق شهروندان در برابر تهدیدهای احتمالی خواهد بود» (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۶۵).

شورای اروپا که تجارب ارزشمندی در زمینه حقوق ارتباطات، به‌ویژه حقوق تکنولوژی‌های نوین ارتباطی نظیر اینترنت دارد، به وظایف حکومت‌ها در تأمین "اینترنت باز" برای مردم توجه داشته و در توصیه‌نامه سال ۲۰۱۱ خود که به‌منظور حفاظت و ارتقاء اینترنت (تمامیت و باز بودن) تصویب شده، ضمن یادآوری اهمیت اینترنت و انتظاری که مردم از آن دارند، تأکید می‌کند که اینترنت ابزاری برای حفاظت از آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات بدون توجه به مرزها است. طبق این توصیه‌نامه حکومت‌ها برای جلوگیری از ایجاد اختلال در اینترنت حتی در شرایط اضطراری باید تدابیری اتخاذ کنند. در واقع در این توصیه‌نامه از حکومت‌ها خواسته شده تا زیرساخت‌های مناسبی برای اینترنت فراهم آورند و از این طریق استفاده عموم از این ابزار را تسهیل نمایند.^۱ (Recommendation CM/Rec(2011)8: 2).

پیش‌ازاین نیز شورا در اعلامیه مربوط به آزادی ارتباطات در اینترنت (مصوب ۲۸ مه ۲۰۰۳) اصولی را اعلام نموده و از دولت‌های امضاءکننده خواسته تا تلاش نمایند، خط‌مشی‌های ملی خود را با این اصول انطباق دهند. یکی از این اصول "از میان برداشتن موانع مشارکت افراد در جامعه اطلاعاتی" است.

در این اصل آمده: «دولت‌های عضو، باید دسترسی همگان به تمام خدمات ارتباطی و اطلاعاتی اینترنتی را به‌گونه‌ای غیر تبعیض‌آمیز و با هزینه‌ای منطقی، ترغیب و تشویق کنند... دولت‌های عضو باید کوشش کنند برای پیشبرد و عرضه کثرت‌گرای خدمات از طریق اینترنت، اقدام خاصی که به نیازهای گوناگون کاربران و گروه‌های اجتماعی پاسخ دهند، به عمل آورند. تدارک دهندگان خدمات باید اجازه داشته باشند در یک چارچوب مقرراتی مناسب، که دسترسی غیر تبعیض‌آمیز آنان به شبکه‌های ملی

۱- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

و بین‌المللی ارتباطات دور را تضمین نمایند به فعالیت پردازند» (معتمد نژاد، ۱۳۸۸: ۴۶۶ و ۴۶۷).

اصل دوم: مداخله حداقلی حکومت‌ها

میزان مداخله دولت در امور رسانه‌ها و از جمله پالایش اینترنت به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ اصلی‌ترین و مهم‌ترین این عامل، نوع نگرش و دیدگاه حاکمان در خصوص آزادی تأسیس و فعالیت رسانه‌ها می‌باشد. اگر حاکمان معتقد باشند که رسانه‌ها، ابزارهای غیرضروری و مشکل‌ساز بوده و عوامل آن‌ها (مدیران، نویسندگان و خبرنگاران) از قدرت تشخیص و مدیریت افعال خود برخوردار نیستند، بدون تردید رأساً و با تمام قدرت تلاش خواهند کرد تا آن‌ها را مدیریت و در نتیجه محدود نمایند. اما چنانچه باور داشته باشند، تحقق مردم‌سالاری و تأمین مشارکت مردم در اداره امور جامعه نیاز به رسانه‌های آزاد و مستقل دارد و مجامع منتخب رسانه‌ها از قدرت ساماندهی امور و اعمال نظارت برخوردار هستند، تلاش می‌کنند تا ضمن مداخله حداقلی، امور رسانه‌ها را به مجامع مذکور واگذار نموده و به ایفای نقش در عرصه حمایت و هدایت آن‌ها اکتفا نمایند.

برای تبیین دقیق موضوع لازم است یادآوری گردد، در خصوص صلاحیت دولت‌ها برای مداخله در امور رسانه‌ها همچون صدور مجوز، تدوین قوانین و مقررات، نظارت و کنترل، سه نوع نگرش و دیدگاه کلی وجود دارد؛ اعمال هر کدام از این دیدگاه‌ها منجر به اتخاذ روش‌ها و تدابیری خاص می‌شود. در ادامه هر کدام از این نگرش‌ها به اختصار تبیین می‌گردد:

الف. انحصار دولتی: در این شیوه، نهاد صدور مجوز، تدوین قوانین و مقررات و نظارت و کنترل، زیر نظر دولت تشکیل شده و فعالیت می‌نماید. عموماً اعضای این نهاد یا نهادها توسط دولت انتخاب شده و به‌نوعی وابسته به آن هستند؛ در بسیاری از

کشورها که نگرش مذکور جریان دارد، در ترکیب اعضای این نهادها از نمایندگان رسانه‌ها و برخی اقشار نیز استفاده می‌شود، اما حاکمان تلاش می‌کنند تا همواره اکثریت اعضای این نهادها از بین مقامات و کارکنان دولتی انتخاب شوند تا بیش از آزادی رسانه‌ها، منافع حکومت را تأمین نمایند.

بدون تردید این نهادها استقلال چندانی نداشته و ناچار هستند منویات دولت‌ها را دنبال کنند؛ اصولاً این نگرش با آزادی رسانه‌ها و ارتباطات، تناسب نداشته و نمی‌تواند حقوق رسانه‌ها را تضمین نماید. شایان ذکر است که این نگرش، به دلیل تسلط دولت‌ها بر بسترها و در مواردی زیرساخت‌های اینترنت، مورد تمایل و علاقه دولت‌ها و البته بسیار ناگوار است. زیرا در صورت حاکمیت انحصاری دولت بر تمام این فرایندها، اگر دولت از سطح تحمل کمی در مقابل انتقاد و اعتراض برخوردار بوده یا اعتقاد چندانی به فایده‌ها و آثار مهم فعالیت آزاد رسانه‌ها نداشته باشد، نباید انتظار چندانی برای آزادی اینترنت داشت.

ب. همکاری دولت با نهادهای غیردولتی و مستقل: در این شیوه دولت نقش هدایت‌کننده و حامی را دارد اما تصمیم‌گیری در خصوص بیشتر موارد و اجرای آن‌ها بر عهده خود رسانه‌ها یا نهادها و مجامع غیردولتی و مستقل است. به عبارت دیگر دولت با اعتقاد به لزوم مداخله حداقلی در اموری که اصحاب رسانه یا نهادها و مجامع غیردولتی می‌توانند بر عهده بگیرند، فقط اصول و قواعد کلی را تعیین می‌کند و یا در برخی از موارد اقدامات اولیه برای تشکیل نهاد مربوطه را ترتیب می‌دهد (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۱۰ و ۱۱۱). لازم به ذکر است که در حال حاضر این شیوه پذیرفته‌ترین روش برای مداخله دولت‌ها در امور رسانه‌ها می‌باشد. مشارکت دادن شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی^۱ برای پالایش اینترنت به نوعی از این نگرش نشأت می‌گیرد.

پ. واگذاری کلیه امور و اختیارات به نهادهای غیردولتی: منظور از این شیوه نوعی «خود نظام دهی» است؛ یعنی رسانه‌ها یا نهادها و مجامع غیردولتی که عموماً از نمایندگان رسانه‌ها، استادان دانشگاه، محققان و متخصصان، تشکیل می‌شوند، رأساً و بدون دخالت حکومت، با تدوین قواعد رفتاری و ایجاد نهادهای لازم (مانند شورای مطبوعات) به تنظیم فعالیت‌هایشان بپردازند و حقوق و آزادی دیگران و ارزش‌های اجتماعی را رعایت کنند. باید توجه داشت که این شیوه با فلسفه اولیه فعالیت رسانه‌ها که همان نظارت و کنترل بر حکومت است، سازگارتر بوده و موجب تضمین حق آزادی بیان می‌گردد.

البته به این نگرش انتقادهایی وارد شده؛ از جمله برخی به مسئولیت دولت‌ها در اداره امور جامعه اشاره و تأکید می‌نمایند که دولت‌ها نباید از کنترل رسانه‌ها غفلت نمایند، زیرا آزادی رسانه‌ها موجب سوءاستفاده خواهد شد و در نتیجه افکار و مطالبی منتشر می‌شود که زمینه گمراهی مردم یا پایمال نمودن حقوق عمومی را فراهم می‌نماید. در پاسخ به این نوع انتقادات باید گفت: اولاً واگذاری امور رسانه‌ها به بخش‌های غیردولتی و مجامع صنفی رسانه‌ها، الزاماً به معنی آزادی مطلق یا غفلت دولت در مقابل تولید محتوای مضر نیست؛ بلکه منظور به حداقل رساندن امکان سوءاستفاده از قدرت، و مشارکت دادن اصحاب رسانه‌ها در اداره امور است. ایفای نقش رسانه‌ها در این زمینه، علاوه بر این که تناسب بیشتری با ماهیت و هدف رسانه‌ها دارد، به نوعی موجب خودکنترلی و تقویت اخلاق حرفه‌ای می‌شود. دولت‌ها هم می‌توانند دغدغه‌های منطقی و صحیح خود را منتقل و اجرای آن‌ها را خواستار شوند. ثانیاً بیان آزاد افکار و اندیشه‌ها ضرری ندارد و اگر هم ضرری داشته باشد، این ضرر کمتر از آسیب محدود نمودن رسانه‌ها است.

موضوع مذکور در اینترنت تاندازه‌ای متفاوت است؛ این رسانه و ابزار نوین ارتباطی علاوه بر کاربردها و ویژگی‌های متفاوت از سایر رسانه‌ها، طرف‌ها یا به تعبیری

بازیگران بیش‌تری را مشغول نموده است. دولت به شرحی که توضیح داده شد، نقش قابل توجهی را بر عهده دارد و به دلیل تسلط بر بسترهای اصلی برقراری ارتباط با شبکه جهانی اطلاعات، بسیار تأثیرگذار است. کاربران از طریق شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنت، به اینترنت متصل می‌شوند؛ در واقع این شرکت‌ها که با مجوز دولت تأسیس می‌شوند، در مقابل دریافت هزینه، خدمات اینترنتی را مطابق قوانین داخلی، به کاربران ارائه می‌نمایند. امروزه یکی از مجریان اصلی فیلترینگ، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی هستند. تولیدکنندگان محتوا همچون نویسندگان و مدیران رسانه‌ها، در تولید مطلب و محتوای اینترنت نقش ویژه‌ای را بر عهده دارند. اطلاع آن‌ها از حدود فعالیت و آزادی‌شان، می‌تواند از صرف هزینه و وقت برای فیلترینگ جلوگیری نماید.

بازیگر دیگر این عرصه، شرکت‌ها و مؤسسات ارائه‌دهنده برنامه‌های فیلترینگ برای کتابخانه‌ها، کافی‌نت‌ها، مدارس و خانواده‌ها هستند. این شرکت‌ها برای محدود نمودن دسترسی اقشار در معرض آسیب (نظیر کودکان و نوجوانان) برنامه‌هایی را طراحی نموده و در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. اگر برنامه‌های ارائه‌شده توسط این نهادها، ناقص یا معیوب باشد، از یک‌سو ممکن است موجب دسترسی افراد به محتوای مضر شود و از سوی دیگر می‌تواند با عملکرد نادرست و محدود نمودن دسترسی به محتواهای مفید ارزشمند، تبدیل به مانعی برای دسترسی به اطلاعات گردد.

در نهایت و از همه مهم‌تر، کاربران قرار دارند. کاربران و افرادی که به کاربران راهنمایی ارائه می‌نمایند، مانند معلمان، مربیان و خانواده‌ها، در صورت آگاهی از مزایا و معایب فیلترینگ و استفاده از روش صحیح می‌توانند به تأمین اهداف فیلترینگ کمک نموده و به‌علاوه مدافع آزادی بیان باشند. در خصوص نقش این گروه در اصل آموزش، توضیحات بیشتری ارائه می‌گردد.

پس از بررسی و تأمل در نگرش‌ها و دیدگاه‌های کلی برای مداخله دولت‌ها در امور رسانه‌ها و آشنایی با طرفین و بازیگران دخیل در اینترنت و فیلترینگ، می‌توان تأکید نمود که در اینترنت نیز مانند سایر رسانه‌ها، اصل مداخله حداقلی دولت‌ها برقرار

است. تردیدی وجود ندارد که بهره‌مندی از آثار و فواید فعالیت رسانه‌ها، نیازمند آزادی این ابزارهای اطلاع‌رسانی برای تولید و انتشار اطلاعات و آزادی دسترسی عموم مردم به اطلاعات می‌باشد؛ طبعاً اگر کار مهمی همچون نظارت و فیلترینگ اینترنت در اختیار دولت‌ها باشد، با توجه به قدرت دولت و علاقه به حفظ و توسعه آن، تضمینی وجود ندارد که به بهانه‌های مختلف این آزادی را سلب ننماید. بنابراین بهتر است سیاست‌گذاری و اعمال فیلترینگ در اختیار نهادهای مستقل قرار گیرد و دولت در نقش راهنما و حامی این نهادها باشد؛ هرچند که واگذاری اختیار اجرای فیلترینگ، برای شروع کفایت می‌کند.

در سطح اتحادیه اروپا، روش فیلترینگ داوطلبانه، به‌عنوان روشی برای محدود نمودن دخالت دولت و مشارکت دادن سایر بازیگران اینترنت در سطح قابل‌توجهی بکارگیری می‌شود. اجرای فیلترینگ داوطلبانه اینترنت توسط شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنتی، با مقیاس بزرگ در سطح اروپا از انگلستان آغاز شد. سال ۲۰۰۹، بزرگ‌ترین شرکت ارائه‌کننده خدمات اینترنتی در کشور انگلستان BT، که به حدود یک سوم از کاربران اینترنت خانگی در این کشور خدمات ارائه می‌دهد، پروژه Cleanfeed را با مشورت وزارت کشور راه‌اندازی نمود. در قالب این پروژه، BT محتوای اینترنت را بر اساس فهرست سیاهی از وبسایت‌ها در سراسر نقاط جهان که مطابق قانون اصلاحی حمایت از کودکان، حاوی تصاویری از سوءاستفاده جنسی از کودکان بود را فیلتر نمود. این فهرست توسط سازمان غیرانتفاعی بنیاد دیده‌بان اینترنت (IWF)، با مشاوره دولت، صنایع مربوطه، پلیس و مردم تألیف و گردآوری شده است. کشورهای دیگر، مانند نروژ، سوئد، دانمارک، و ایتالیا، برنامه‌های مشابهی را اجرا نموده‌اند (Ramachander, 2008: 190-191).

همچنین فیلترینگ از طریق "خودکنترلی داوطلبانه"، توسط موتورهای جستجو انجام می‌شود. از اوایل سال ۲۰۰۵ تمام موتورهای جستجوی عمده در آلمان،

همچون AOL، MSN و... سازمانی را تشکیل داده‌اند؛ این سازمان موظف است نتایج جستجوی اینترنتی که برای افراد زیر سن قانونی مضر تشخیص داده می‌شود، را فیلتر نماید. عملکرد این سازمان بر اساس فهرست ارائه‌شده توسط یک سازمان دولتی که مسئول طبقه‌بندی رسانه است، اجرا می‌شود. نمونه‌ای دیگر از مشارکت مردمی، برنامه‌ای است که در نوزده کشور اروپایی اجرا می‌شود؛ مطابق این برنامه، مردم در شناسایی و گزارش محتوا به‌ویژه محتوای غیرقانونی در زمینه پورنوگرافی کودکان - از طریق شبکه‌ای از خطوط تماس ویژه که بر اساس توصیه اتحادیه اروپا در سطح این اتحادیه برقرار شده - کمک می‌کنند. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که خطوط تماس ویژه نجات کودکان در دانمارک، نزدیک به ۹۰۰۰ گزارش از تصاویر سوءاستفاده از کودکان تنها در سال ۲۰۰۶ دریافت نموده‌اند (Ramachander, 2008: 191).

اصل سوم: قانون‌مندی

از ابتدای شکل‌گیری و فعالیت رسانه‌ها - و از جمله اینترنت - همواره دو دیدگاه متفاوت در زمینه تدوین قوانین و مقررات برای تعیین حدود آزادی و حقوق آن‌ها وجود داشته است؛ عده‌ای معتقد هستند که اصولاً هرگونه تدوین و اجرای قانون برای رسانه‌ها، به این دلیل که ایجاد نوعی محدودیت است، مخالف با آزادی فعالیت رسانه‌ها به شمار می‌آید. این گروه استدلال می‌کنند که بیان آزاد افکار و اندیشه‌ها ضروری ندارد و اگر هم ضروری داشته باشد، این ضرر کمتر از آسیب محدود نمودن رسانه‌ها است. در مقابل گروهی معتقد هستند، تدوین و اعمال قوانین صحیح و مناسب نه تنها محدودکننده نیست، بلکه در صورتی که بر مبنای اصول حقوقی صورت گیرد تأمین‌کننده آزادی رسانه‌ها می‌باشد. دوریو در خصوص ضرورت وجود مقررات برای رسانه‌ها معتقد است که مقررات رسانه‌ها، تنها و ضرورتاً به‌عنوان محدودکننده و سرکوب‌کننده معنی نمی‌شود بلکه آزادی است همراه با برخی محدودیت‌های لازم و ضروری (Derieux, 2005: 8-9).

توجه به واقعیت‌های موجود در جوامع، لزوم رعایت مصالح عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی افراد از اصل آزادی اقتضاء دارد تا تدابیر و ضوابطی برای تأسیس و فعالیت رسانه‌ها در نظر گرفته شود. از سوی دیگر نباید وجود برخی محدودیت‌ها را به منزله عدم وجود آزادی دانست، زیرا اگرچه آزادی مطبوعات در زمره حقوق بشر قرار دارد اما این آزادی مطلق نیست؛ «نسبی بودن حقوق بشر را به‌عنوان امری منطقی، حتی در نظام‌های آزادی‌گرا (لیبرال) می‌توان مشاهده نمود» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در همین زمینه اعلام می‌دارد: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.» همچنین در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پس از تأکید بر حق آزادی بیان آمده است: «اعمال این آزادی‌ها به لحاظ این که مستلزم تکالیف و مسئولیت‌هایی است، ممکن است تحت تشریفات، شرایط، تصمیمات یا مجازات‌هایی قرار گیرد که به موجب قانون مقرر شده و در جامعه دموکراتیک به لحاظ مصالح امنیت ملی، تمامیت ارضی یا سلامت عمومی یا برای حمایت از اعتبار و حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعاتی که به‌طور محرمانه دریافت شده، یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی قوه قضائیه است.» همان‌طور که مشاهده شد، آزادی‌ها مطلق نیستند و ممکن است برای آن‌ها محدودیت‌هایی وجود داشته باشد، اما ضروری است این محدودیت‌ها بر طبق قانون بوده و معقول باشد.

فیلترینگ اینترنت هم به‌عنوان یک محدودیت آزادی بیان، باید طبق قانون انجام شود. در کشورهای مختلف معمولاً مصادیق اعمال فیلترینگ، توسط نهادی مستقل تدوین شده و پیش از اجرا اطلاع‌رسانی عمومی می‌گردد. این اقدام به‌نوعی از اصل

قانونی بودن جرائم و مجازات در حقوق جزا نشأت می‌گیرد؛ به تعبیر دقیق‌تر قبل از اعلام جرائم و مجازات نمی‌توان افراد را به دلیل انتشار مطالب یا دسترسی به محتوای خاص، با محدود یا مسدود نمودن محتوا یا حتی رسانه، از حق آزادی بیان محروم نمود. از سوی دیگر اعلام محدودیت فعالیت رسانه‌های اینترنتی به نویسندگان و مدیران این رسانه‌ها کمک می‌کند تا عملکردشان را با قوانین و مقررات هماهنگ نموده و از صرف وقت و هزینه برای فیلتر نمودن، جلوگیری می‌نماید.

پس از تبیین ضرورت و اهمیت قانون‌مند بودن فیلترینگ اینترنت، در ادامه ویژگی‌های قوانین و مقررات فیلترینگ تشریح می‌گردد:

۱. در تدوین قوانین باید به ویژگی‌های و شرایط خاص اینترنت به‌خصوص تمامیت و باز بودن آن توجه شود و تلاش گردد تا مقررات با مطالعات عمیق و همه‌جانبه و پس از مشورت با کارشناسان علوم ارتباطی، متخصصان اینترنت و نمایندگان از گروه‌های ذینفع (بازیگران اینترنت) تدوین گردد (Recommendation CM/Rec(2008)6, 2008: 5).

۲. قوانین فیلترینگ و به‌صورت خاص مصادیق فیلتر نمودن، نباید پراکنده، متراکم و متعدد باشد. باید از بروز مشکل تورم قوانین در این زمینه جلوگیری نموده و در صورت بروز برای حل آن راهکار مناسب در نظر گرفته شود.

۳. محتوای غیرقانونی و مضر نباید کلی و عام باشد، بلکه ضروری است به‌صورت شفاف و با تعیین مصداق از سوی نهاد قانون‌گذار اعلام گردد. چین از جمله کشورهای استقلالی است که مصادیق را بسیار شفاف و با ذکر مصداق اعلام نموده؛ به‌عنوان مثال هر مطلب خلاف استقلال چین را ممنوع دانسته و منظور از استقلال را با طرح مصداق و مثال بیان کرده است. در همین زمینه مقرر داشته انتشار هرگونه مطلبی که بیانگر استقلال تایوان از چین باشد، ممنوع می‌باشد. همچنین اعلام داشته که می‌توان مطالبی در خصوص استقلال تایوان منتشر کرد، ولی نمی‌توان نتیجه گرفت که تایوان باید از چین مستقل شود. علاوه بر این در فهرست چین آمده است که انتشار هر مطلبی به

سنت‌های چین لطمه وارد کند، ممنوع است؛ یعنی ممنوعیتی شبیه آنچه در ایران برای مطالب منافی اخلاق حسنه وجود دارد؛ با این تفاوت که در ایران برای مطالب منافی اخلاق حسنه مصداق دقیقی ارائه نشده، ولی در قوانین چین با ذکر مصداق اعلام شده؛ به‌عنوان نمونه انتشار هر مطلبی که جوانان را تشویق کند که احساس کنند در مقابل والدینشان وظیفه احترام و مراقبت ندارند، ممنوع است.^۱

۴. برای جلوگیری از ظهور و گسترش پدیده خودسانسوری در اینترنت و بهره‌برداری از فضای باز اینترنت برای تحقق دموکراسی و آزادی بیان، حتی‌المقدور حوزه مصادیق محتوای غیرقانونی و مضر به موارد مهمی نظیر پورنوگرافی کودکان، تبلیغ و ترویج نژادپرستی و مسائل امنیت ملی محدود شده و از ممنوع نمودن انتقاد و ایجاد محدودیت در انتشار مطالب به بهانه القاء بدبینی یا سیاه‌نمایی پرهیز شود؛ زیرا نقد و به چالش کشیدن از وظایف رسانه‌ها است و تردیدی وجود ندارد که منافع انتقاد در جامعه از زیان‌های آن بیشتر است. البته این توضیحات، شامل مسئولیت رسانه‌ها در موارد توهین نمی‌شود؛ هرچند لازم است مفهوم و شرایط توهین نیز با دقت مورد بررسی قرار گیرد و هر نوع انتقاد و چالش کشیدن به‌ویژه در مورد مسئولان دولتی، توهین تلقی نگردد.

۵. لازم است، مصادیق فیلترینگ به‌صورت نوبه‌ای و منظم مورد بازبینی قرار بگیرد تا چنانچه دیگر نیازی به مسدود نمودن محتوایی خاص یا یک رسانه اینترنتی نیست، محدودیت دسترسی به آن لغو گردد.

برای قانون‌مندی و تعیین محدوده مصادیق فیلترینگ، می‌توان از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود. در این زمینه بررسی وضعیت کشورهای اتحادیه اروپا با توجه به تجربیات آن‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در سطح اتحادیه اروپا، تا چند سال

۱- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: انصاری، باقر. نقد و بررسی مصادیق محتوای مجرمانه، خبرگزاری ایسنا، ص ۳

قبل قانون بیشتر شامل پورنو گرافی کودکان و مطالب نژادپرستانه بود، اما در سال‌های اخیر به استفاده از اینترنت برای تروریسم و جرائم سازمان‌یافته، افترا و کپی‌رایت توجه بیشتری شده است. هم‌اکنون پیشنهادها و قوانینی در سایر حوزه‌های اجتماعی نظیر قمار و شرط‌بندی در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا ارائه شده و در حال تصویب است. سال ۲۰۰۲ پیشنهاد تجدیدنظر در قوانین سوئیس در زمینه قرعه‌کشی و شرط‌بندی تهیه شد؛ طبق این پیشنهاد برای کسانی که دسترسی به بازی‌های غیرقانونی را فراهم می‌آورند، جریمه‌ای تا ۱ میلیون فرانک و یا تا یک سال حبس در نظر گرفته شده است. این تلاش در سال ۲۰۰۴ به حالت تعلیق درآمد، و هیچ اقدام دیگری از آن سال صورت نگرفت.

از اوایل سال ۲۰۰۶ شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنتی در ایتالیا موظفند که دسترسی به وبسایت‌هایی که قمار آنلاین ارائه می‌کنند را مسدود نمایند. گسترده‌ترین حوزه اقدام برای فیلترینگ از طرف نروژ بوده که در آن دولت مسدود کردن دسترسی به سایت‌های قمار، وبسایت‌هایی که به پرچم و نشان ملی یک کشور خارجی بی‌حرمتی می‌نمایند، سایت‌های که نفرت نسبت به مقامات دولتی را ترویج می‌کنند، وبسایت‌های ترویج نژادپرستی، پورنو گرافی توهین‌آمیز و سایت‌هایی که دریافت غیرقانونی موسیقی، فیلم، و یا نمایش‌های تلویزیون را ارائه می‌دهند، در نظر گرفته است.

در گزارش‌های اتحادیه اروپا ادعا می‌شود، در اروپا هیچ نمونه‌ای از فیلترینگ برای ساکت کردن مخالفان سیاسی وجود ندارد. با این حال، نمونه‌هایی از فیلترینگ که به دنبال حفظ مشروعیت نهادهای دولتی و حفظ هویت ملی هستند، وجود دارد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۲ یک دادرس محلی سوئیس، به چندین شرکت ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی آن کشور دستور داد که سه وبسایت میزبانی شده در ایالات متحده آمریکا که به شدت از دادگاه‌های سوئیس انتقاد می‌کنند، را مسدود نمایند. گروهی از کاربران و اپراتورهای شبکه سوئیس به این حکم اعتراض کردند. آن‌ها معتقد بودند که این نوع

مسدودسازی مؤثر نیست (به راحتی توسط کاربران اصطلاحاً دور زده می‌شود)؛ علاوه بر این، اجرای این حکم خلاف قانون اساسی سوئیس است؛ زیرا به موجب قانون اساسی حق دریافت آزادانه اطلاعات برای عموم و انتشار آن برای هر فرد تضمین شده است. با این حال، این حکم اجرا شد و از مدیران ناراضی شرکت‌ها خواسته شد تا شخصاً در دادگاه حاضر شوند (Ramachander, 2008: 188-190).

اصل چهارم: شفافیت

اگرچه امروزه از اصطلاح «شفافیت»^۱ زیاد استفاده می‌شود، اما تعریف جامع و مانع از آن ارائه نشده است. با این حال و با وجود پیچیدگی مفهوم شفافیت در عرصه‌های مختلف، تردیدی در شناخت مفهوم آن در عرصه سیاسی و حکومتی وجود ندارد. در علم سیاست منظور از شفافیت این است که با اطلاعاتی که دولت در اختیار مردم قرار می‌دهد، برای آن‌ها امکان آگاهی از عملکرد دولت را فراهم نماید. در مقابل هرگاه حکومت عمداً مانع دسترسی به اطلاعات شده یا اطلاعات غلط ارائه نموده و یا این که در تضمین کیفیت اطلاعات ارائه شده قصور نماید، فقدان شفافیت ایجاد شده است (یزدانی‌زنوز، ۱۳۸۸: ۵۰). به تعبیر دیگر «بهترین سلاح دیکتاتوری‌ها، پنهان‌کاری و بهترین سلاح دموکراسی‌ها شفافیت است» (بشیریه، ۱۳۸۷: ۷).

کمیته حقوق بشر شورای اروپا در پیش‌نویس گزارش خود از بررسی کنوانسیون دسترسی به اسناد و مدارک دولتی یادآوری می‌نماید: شفافیت مقامات دولتی یکی از ویژگی‌های مهم و کلیدی حکمرانی مطلوب^۲ و شاخصی برای تشخیص حکومت دموکراتیک و کثرت‌گرا می‌باشد. در ادامه با تأکید بر حق دسترسی مردم به اطلاعات عمومی که منجر به ایجاد شفافیت می‌شود، اضافه نموده این اقدام، مشروعیت دولت را

1. Transparency.
2. good governance

در نگاه مردم بیشتر می‌کند و موجب افزایش اعتماد عمومی می‌شود.^۱ ایجاد و حفظ شفافیت نیاز به ابزارهایی دارد. آزادی بیان، بهره‌گیری از تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات، چرخش آزاد اطلاعات و دولت الکترونیک، از ابزارهای ایجاد شفافیت به حساب می‌آیند.

پس از معرفی و تبیین مفهوم شفافیت و صرف‌نظر از کارکردهای مهم و منحصر به فرد اینترنت برای ایجاد آن و تأثیر فیلترینگ نادرست و غیراصولی در تقویت پنهان‌کاری؛ باید تأکید نمود که فیلترینگ اینترنت مانند سایر اعمال دولت‌ها و چه بسا بیشتر از آن‌ها باید با شفافیت انجام شود. دلیل این امر نقش اینترنت در تأمین و حفظ آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات است. اگر دولت‌ها بدون پیروی از قانون، به صورت پنهانی و بدون نظارت افکار عمومی، اقدام به فیلترینگ نمایند، خطر سوءاستفاده از قدرت برای محدودیت آزادی بیان، جامعه را تهدید خواهد کرد. این نگرانی ریشه قدیمی دارد و فلسفه علنی بودن محاکمات مطبوعاتی نیز به نوعی برای رفع این خطر و حمایت از روزنامه‌نگاران است.

اکنون باید راهکارهای ایجاد و حفظ شفافیت در فیلترینگ مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا تأکید بر این نکته ضروری است که اولین و اصلی‌ترین عامل برای جلوگیری از پنهان‌کاری و سوءاستفاده دولت‌ها و سایر نهادهای مسئول در فیلترینگ، وجود قوانین شفاف است؛ این قوانین و به‌ویژه مصادیق محتوای غیرقانونی و مضر، باید به صورت ساده و روان اطلاع‌رسانی گردد. اطلاع مردم از این قوانین به شناسایی و گزارش موارد ممنوعه کمک نموده و موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه برای شناسایی موارد غیرقانونی می‌گردد.

1. Steering Committee for Human Rights (CDDH). Draft Explanatory Report to the draft Council of Europe Convention on Access to Official Documents.

[https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?Ref=CM\(2008\)56 &Language =lanEnglish&Ver=add2 &Site= COE &BackColorInternet=DBDCF2& BackColorIntranet= FDC864 & Back ColorLogged=FDC864](https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?Ref=CM(2008)56&Language=lanEnglish&Ver=add2&Site=COE&BackColorInternet=DBDCF2&BackColorIntranet=FDC864&BackColorLogged=FDC864)

کاربران باید از فعال بودن یک فیلتر آگاه بشوند و دقیقاً مشخص باشد که به چه دلیل و به موجب کدام قانون دسترسی به وبسایت یا محتوای درخواستی‌شان، مسدود شده است (Recommendation CM/Rec 2008: 6). معمولاً این اطلاع‌رسانی، باید بعد از درخواست مشاهده یک صفحه ممنوعه توسط کاربر صورت بگیرد. در کشورهای مختلف برای اطلاع‌رسانی رویه‌های متفاوتی اتخاذ می‌شود؛ اما متداول‌ترین روش نمایش یک صفحه با اعلام ممنوعیت دسترسی به وبسایت یا صفحه ممنوعه است. باید در این پیام دلیل فیلتر شدن مطلب، شیوه اعتراض و مرجع آن‌هم مشخص باشد.

در برخی از کشورها مشاهده‌شده برای جلوگیری از تبعات مسدود نمودن وبسایت‌های معروف و مهم، صفحه مورد نظر (اعلام فیلترینگ) نمایش داده نمی‌شود، و کاربر با تصور بروز مشکلات فنی، از تلاش مجدد منصرف شده یا وقت زیادی برای دسترسی به آن مطلب صرف می‌نماید. در موارد دیگر دولت‌ها از کاهش سرعت اینترنت برای جلوگیری از دسترسی به وبسایت‌ها استفاده می‌نمایند؛ این اقدام علاوه بر این که سانسور محسوب شده و امکان دسترسی به تمام خدمات اینترنت را از بین برده یا کیفیت آن را تنزل می‌دهد، نوعی پنهان‌کاری افراطی محسوب می‌شود (Ramachander, 2008: 39-41). نهایتاً باید امکان نظارت مردم و نهادهای غیردولتی و مستقل بر فرایند پالایش اینترنت فراهم باشد. قطعاً نظارت مردمی ضمن ایجاد اعتماد عمومی، موجب ترویج شفافیت به میزان قابل توجهی می‌گردد.

اصل پنجم: امکان دادخواهی

این اصل (امکان دادخواهی) از حق بر دادخواهی برداشت می‌شود. حق بر دادخواهی که در اسناد حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته، عنوان جامعی است و شامل حق دسترسی افراد به مراجع قضائی و یا در صورت لزوم مراجع اداری و صنفی

جهت دادخواهی نسبت به نقض حق‌ها و آزادی‌هایشان می‌باشد. ماده هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر حق همه افراد را بر دسترسی به جبران مؤثر به وسیله دیوان‌های صالح ملی نسبت به اعمالی که ناقض حق‌های بنیادین تضمین شده توسط قانون اساسی یا دیگر قوانین هستند، را مورد تأکید قرار می‌دهد. عنوان «جبران مؤثر» و عبارت «دیوان‌های صالح ملی» مفهوم بسیار عامی داشته و شامل انواع رسیدگی‌ها اعم از حقوقی، کیفری، اداری و صنفی و همچنین انواع مختلف مراجع قضائی، اداری و صنفی می‌شود (قاری فاطمی، پیشین: ۲۱۴ و ۲۱۵).

در تمام مراحل پالایش اینترنت، حتی در بهترین شرایط، احتمال بروز اشتباه یا سوءاستفاده از قدرت وجود دارد. برای تأمین و تضمین حق بر آزادی بیان، ضروری است تا تدابیر لازم برای تجدیدنظر در موارد یادشده (فیلترینگ اشتباه یا غیرقانونی) پیش‌بینی گردد. کمیته وزیران شورای اروپا در توصیه ۶ (2008) CM/Rec راهنمایی‌هایی را برای اتخاذ تدابیر لازم به منظور ترویج احترام به آزادی بیان و اطلاعات در خصوص فیلترهای اینترنتی به کشورهای عضو پیشنهاد می‌نماید؛ در این سند پیرامون امکان دادخواهی تأکید شده است: کاربران اینترنتی باید امکان اعتراض به فیلتر کردن محتوا و جستجوی توضیحات و اصلاحات را داشته باشند. در ادامه از دولت‌های عضو خواسته شده تا تضمین نمایند محتوایی که به اشتباه فیلتر شده، در مدت زمان معقول بدون مشکل بیش از حد در دسترس، مجدداً در دسترس قرار گیرد. بنابراین - و همان‌طور که به صراحت در سند فوق نیز آمده - دولت‌ها موظف به فراهم آوردن روش‌های قابل دسترس، مؤثر و آسان برای اصلاح و ترمیم پالایش‌های نادرست اینترنت هستند.

اصل ششم: هوشمندی

مطالعه در خصوص هوشمندی فیلترینگ در حوزه مباحث فنی اینترنت قرار دارد و برای ورود به این موضوع تشریح تاریخی و ساختار آن لازم است. اما به نظر

نویسندگان این نوشتار، در حال حاضر شناخت از اینترنت در سطحی قرار دارد که دیگر نیازی به ارائه مقدمات متداول و تکراری وجود ندارد؛ اما باید یادآوری گردد، که اینترنت یک سامانه ارتباطی جهانی اطلاعات است که از زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تشکیل شده و رایانه‌ها را در سراسر جهان به یکدیگر متصل می‌نماید. جهان‌شمولی زبان دیجیتال، منطق کاملاً شبکه‌ای و همچنین معماری خاص، از ویژگی‌های قابل توجه این شبکه‌ها به شمار می‌آید (کاستلز، ۱۳۸۲: ۴۰۸).

صرف نظر از واقعیت روشن تسلط چند کشور محدود بر بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های مهم اینترنت، هیچ فرد، دولت یا موسسه تجاری مالک آن نیست. اینترنت توسط یک مدیریت واحد اداره نمی‌شود، اما برای حفظ جنبه‌های فنی و سیاست‌های زیرساختی نهادی به نام «انجمن اینترنت برای اسامی و اعداد تعیین شده»^۱ وجود دارد. این اتحادیه غیرانتفاعی، مسئول تعیین آدرس‌های IP، اختصاص فضای اینترنت، تعیین پارامترهای پروتکل، نام دامنه^۲، مدیریت سیستم و مدیریت عملیات سیستم است. (قاجار، ۱۳۸۶: ۱۶۲) اما در عرصه ملی، بستر و زیرساخت دسترسی به اینترنت توسط دولت‌ها با مشارکت بخش خصوصی تأمین و در اختیار کاربران قرار می‌گیرد؛ در واقع دولت‌ها همواره برای کشورشان دروازه اطلاعات مجازی ایجاد می‌کنند و از طریق این دروازه به کنترل و پالایش اطلاعات می‌پردازند. البته کنترل یادشده فقط به موارد رایج فیلترینگ محدود نمی‌شود و به‌عنوان مثال از حمله هکرهای خارجی نیز مراقبت می‌نمایند.

شناسایی وبسایت‌ها و صفحات ممنوعه و فیلتر کردن آن‌ها به روش‌های مختلفی انجام می‌شود و معمولاً در بیشتر روش‌ها، کم‌وبیش بروز دو اشتباه وجود دارد:

۱. سایت‌های مورد نظر، به‌درستی فیلتر نمی‌شوند؛

۲. سایت‌ها و محتوای دیگر، به‌اشتباه فیلتر می‌گردند.

1. Internet Corporation for Assigned Names and Numbers – ICANN.
2. Domain name.

همواره باید تلاش شود تا در اجرای فیلترینگ از روش‌ها و برنامه‌هایی استفاده گردد که میزان خطا در آن وجود نداشته یا تا حد ممکن کاهش یابد؛ یعنی ضمن فیلتر نمودن موارد مضر و غیرقانونی، از ایجاد محدودیت در دسترسی به سایر مطالب جلوگیری شود. بنابراین منظور از هوشمندی فیلترینگ برنامه‌ریزی و تلاش مستمر مجریان، برای شناسایی و اعمال روش‌هایی است که استفاده صحیح و منطقی از اینترنت را تضمین نموده و مانعی برای آزادی بیان نباشند. شناسایی این روش‌ها و طراحی و به روز رسانی برنامه‌های مناسب فیلترینگ، زمانی مؤثر است که در کنار شناسایی روش‌ها و طراحی برنامه‌های هوشمند و قوی، به ارتقاء امکانات و تجهیزات فیلترینگ نیز توجه شود؛ استفاده از تجهیزات قدیمی و معیوب، قطعاً موجب بروز مشکل می‌شود.

اصل هفتم: آموزش

آموزش نقش بسزایی در استفاده صحیح و اجرای مطلوب فیلترینگ دارد. کاربران، والدین، مربیان، مدیران و کارکنان شرکت‌های ارائه خدمات اینترنتی و همه افرادی که فیلترها را اجرا یا استفاده می‌کنند، باید اطلاع دقیقی از اهداف فیلترینگ و محدودیت‌هایی که در نتیجه آن امکان دارد ایجاد شود، داشته باشند. استفاده درست از فیلترها بویژه توسط والدین، مربیان و مدیران مراکز آموزشی باید ترویج شود. حتی دامنه این آموزش‌ها نباید به استفاده صحیح از فیلترها محدود شده و لازم است مجموعه‌ای از اقدامات برای تأمین آزادی بیان از یک‌سو، و از سوی دیگر حفاظت از گروه‌های در معرض خطر آموزش داده شود. به‌عنوان مثال خانواده‌ها و مربیان مدارس بر جستجوهای کودکان و نوجوانان نظارت داشته باشند یا رایانه در محلی قرار داده باشد که سایر افراد حاضر در آن محل بتوانند صفحه‌نمایش آن را ببینند.

از سوی دیگر با توجه به معایب فیلترینگ، به دلایل متعدد از جمله هزینه زیاد، اشتباهات فراوان و ... نباید استفاده از آن گسترش یابد؛ بلکه لازم است موارد اجرای آن

حتی‌الامکان محدود شده و راه‌حل‌های جدید برای جلوگیری از انتشار و دسترسی به محتوای غیرقانونی در نظر گرفته شود. بدون تردید یکی از راه‌حل‌ها، توجه به موضوع آموزش و فرهنگ‌سازی است. آموزش و فرهنگ‌سازی موجب می‌شود: اولاً مطالب مضر و ممنوعه توسط تولیدکنندگان محتوا یا سایر افرادی که به آن دسترسی پیدا می‌کنند، منتشر نشود. ثانیاً در صورت انتشار، کاربران ضمن عدم استفاده از این‌گونه محتواها، در اسرع وقت وجود آن را به نهادهای اجراکننده فیلترینگ گزارش دهند. ثالثاً به مرور فرهنگ استفاده صحیح اینترنت در بین اقشار مختلف جامعه و بازیگران اینترنت ترویج یافته و کاربردهای مفید این رسانه و ابزار نوین ارتباطی بیش از گذشته مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با شناخت دقیق از وضعیت اینترنت، تردیدی برای پالایش محتوای غیرقانونی و مضر آن وجود ندارد؛ اما با توجه به تأثیر اینترنت به‌ویژه سایت‌های خبری در تأمین حق آزادی بیان و دسترسی آزاد به اخبار و اطلاعات، ضروری است بایدها و نبایدهایی برای اجرای فیلترینگ مشخص و اعمال گردد. این بایدها و نبایدها را می‌توان در قالب اصول زیر تبیین نمود:

- در اینترنت نیز مانند سایر رسانه‌ها، اصل مداخله حداقلی دولت‌ها برقرار است. باید سیاست‌گذاری و اعمال فیلترینگ در اختیار نهادهای مستقل قرار گیرد و حکومت‌ها در نقش راهنما و حامی این نهادها باشند.
- باید تدابیری اتخاذ شود تا محدود نمودن دسترسی به محتوای غیرقانونی و مضر سایت‌های خبری، تبدیل به مانعی برای دسترسی به سایر مطالب و اخبار نگردد. بنابراین باید تلاش شود تا دامنه فیلترینگ حتی‌المقدور محدود شده و از توسعه مصادیق آن خودداری گردد.

- فیلترینگ به‌عنوان یک محدودیت آزادی بیان، باید طبق قانون انجام شود. به همین منظور ضروری است قوانین و مقررات پالایش به‌ویژه مصادیق آن، توسط نهادی مستقل تدوین شده و پیش از اجرا به عموم اطلاع‌رسانی می‌شود.
- پالایش محتوای اینترنت مانند سایر اعمال حکومت‌ها نیاز به شفافیت دارد. اگر حکومت‌ها بدون پیروی از قانون، به‌صورت پنهانی و بدون نظارت افکار عمومی، اقدام به فیلترینگ نمایند، خطر سوءاستفاده از قدرت و ایجاد محدودیت برای آزادی بیان، جامعه را تهدید خواهد کرد.
- همواره باید تلاش شود تا در اجرای فیلترینگ از روش‌ها و برنامه‌های هوشمند استفاده گردد که میزان خطا در آن وجود نداشته یا تا حد ممکن کاهش یابد.
- آموزش نقش بسزایی در استفاده صحیح و اجرای مطلوب فیلترینگ دارد. همه افرادی که فیلترها را اجرا یا استفاده می‌نمایند، باید اطلاع دقیقی از اهداف فیلترینگ و محدودیت‌هایی که در نتیجه آن امکان دارد ایجاد شود، داشته باشند.

منابع

- آستین، یانک. (۱۳۸۹)، *روزنامه‌نگاری پس از اینترنت*، تهران: جام جم.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۹)، *حقوق ارتباط جمعی*، تهران: سمت، چاپ سوم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۷)، *گذار به مردم‌سالاری*، تهران: نگاه سیاسی.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۸)، *متن مجازی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- قاجارقینلو، سیامک. (۱۳۸۶)، *مقدمه حقوق سایبر*، تهران: میزان.
- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۹۳)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، جلد اول، تهران: شهر دانش، چاپ سوم.

اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی ... ۱۹۳

- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۲)، *عصر اطلاعات*، گروه مترجمان، جلد اول، تهران: طرح نو، چاپ سوم.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۸۸)، *جستارهایی در رسانه*، گروه مترجمان با درآمدی از مهدی محسنیان راد، جلد اول فناوری و رسانه، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مک براید، شن. (۱۳۹۰)، *یک جهان چندین صدا*، ترجمه: ایرج پاد، تهران: سروش، چاپ سوم.
- معتمد نژاد، کاظم. معتمد نژاد، رؤیا. (۱۳۸۸)، *حقوق ارتباطات*، جلد اول، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.
- اسدی، عباس. (۱۳۹۰)، «نظام حقوقی خبرگزاری‌ها و شبه خبرگزاری‌ها در ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق ویژه‌نامه حقوق ارتباطات*، شماره ۳۵.
- کامیار، مهران. (۱۳۸۸)، «مقایسه تطبیقی رسانه‌های سنتی مکتوب و الکترونیک»، *فصلنامه پژوهش رسانه*، شماره ۲.
- معتمد نژاد، کاظم. (۱۳۹۰)، «تحولات مبانی حقوقی آزادی رسانه‌ها در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق ویژه‌نامه حقوق ارتباطات*، شماره ۳۵.
- یزدانی زنوز، هرمز. (۱۳۸۸)، «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»، *فصلنامه تخصصی حقوق عمومی*، شماره ۵.
- منابع اینترنتی:
- انصاری، باقر. (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی مصادیق محتوای مجرمانه»، خبرگزاری ایسنا به نشانی زیر:

<http://isna.ir/isna/News View.aspx?ID=News-1471240>

- Derieux, Emmanuel. (2005). *droit des medias*, Paris, Dalloz.
- Jakubowicz, Karol. (2009). “*A New Notion of Media?*”
- www.cmfe.eu/docs/_CoE_Reykjavik_Karol_Jakubowicz_Keynote.pdf
- Middle East Internet Users, Population and Facebook Statistics, Internet World Stats, <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>
- Ramachander, Sangamitra. (2008). *Access Denied-The Practice and Policy of Global Internet Filtering*, London, Cambridge Massachusetts.
- Recommendation CM/Rec. (2008). 6 of the Committee of Ministers to member states on measures to promote the respect for freedom of expression and information with regard to Internet filters
- [https://wcd.coe.int/wcd/ViewDoc.jsp?Ref=CM/Rec\(2008\)6](https://wcd.coe.int/wcd/ViewDoc.jsp?Ref=CM/Rec(2008)6)
- Recommendation CM/Rec(2011)8 of the Committee of Ministers to member states on the protection and promotion of the universality, integrity and openness of the Internet.
- <https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?id=1835707&Site=CM&BackColorInternet=C3C3C3&BackColorIntranet=EDB021&BackColorLogged=F5D383>
- Recommendation CM/Rec(2012)4 of the Committee of Ministers to member States on the protection of human rights with regard to social networking services
- <https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?id=1929453&Site=Cm>
- Steering Committee for Human Rights (CDDH), Draft Explanatory Report to the draft Council of Europe Convention on Access to Official Documents,
[https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?Ref=CM\(2008\)56&Language=lanEnglish&Ver=add2 &Site= COE &BackColorInternet= DBDCF2 &BackColorIntranet=FDC864&BackColorLogged=FDC864](https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?Ref=CM(2008)56&Language=lanEnglish&Ver=add2 &Site= COE &BackColorInternet= DBDCF2 &BackColorIntranet=FDC864&BackColorLogged=FDC864).